

بی خدایان ۱۸

باید از جنگ این
عجوزه اعصار
خلاص شد!گفتگو با
فواد
عبداللهی

بی خدایان: "جوانان بمب ضد اسلامی در ایران هستند" آیا شما هم با این تعبیر موافقید؟ این ضدیت با اسلام خود را در چه وجوهی نشان میدهد و بیان می کند؟

فواد عبداللهی: من با این تعبیر موافقم. اساس این ضد اسلامیگری حاکمیت مذهب در جامعه است. تصویر این نسل از زندگی در دنیای امروز، در تناقض با موجودیت مذهب و دخالت آن در سیستم دولت و قلمرو زندگی آنان است. امر و نهی اسلام و اراجیفش در ابتدایی ترین نیازهای حیاتی انسان برای ادامه زندگی و تعیین چند و چون حرکت و اعمال انسان بر پایه اسلوب مذهبی، سد راه رشد و شکوفایی و لذت بردن انسان است. به حکم تکنولوژی و ارتباطات ماهواره ای و اینترنتی دیگر نمی توان توقع انسانها، شعور و رابطه آنها را محدود به

عضو انجمن بی خدایان بشوید!
برای رهایی از سلطه اسلام و اسلام زدایی از ایران به ما پیوندید!

مردم به تنگ آمده از اسلام،
بی خدایان! آزاد اندیشان!

انجمن "بی خدایان" می خواهد سخنگوی جنبش ضد مذهبی باشد که برای رهایی از اسلام و اسلام زدایی از ایران و خلاصی از یوغ دین مبارزه می کند. جنبشی که علیه حاکمیت اسلام و خدا و حکومت آنها بر انسان است. جنبشی که اصالت انسان را در مقابل دین و خدا قرار می دهد و آنها را از زندگی و جامعه جارو می کند. ما می خواهیم در مقابل کلام و قانون خدا و آیت الله، در مقابل قانون سنگسار و منکرات و تغزیرات و عزاداری و حجاب و آپارتاید جنسی- کلام و قانون انسان و آزادی او را قرار دهیم. ما پرچم دفاع از حرمت انسان را با دفاع از او در مقابل دین، اسلام و خرافات بلند میکنیم.

مردم!
عضو انجمن بی خدایان شوید و بی خدایی را به هر شکلی که میتوانید تبلیغ کنید!
نشریه بی خدایان را تکثیر و پخش کنید و بدست دیگران برسانید!
با ما تماس بگیرید به ما پیوندید و جنبش رهایی از اسلام و بی خدایی را گسترش دهید.

اعظم کم گویان

انجمن بی خدایان

bikhodayan@yahoo.com

azam_kamguian@yahoo.com

www.bikhodayan.com

http://www.bi-khodayan.blogspot.com/

bikhodayan@yahoo.com

سخنرانی درباره جنبش ضد اسلامی در ایران با استقبال فوق العاده گرمی روبرو شد

سخنرانی اعظم کم گویان با عنوان جنبش ضد اسلامی مردم در ایران در جلسه پلینری شانزدهمین کنگره جهانی "اتحادیه بین المللی سازمانهای سکولاریست و اومانیزم" (۵ تا ۷ ژوئیه) در مقر یونسکو در پاریس با استقبال فوق العاده گرم بیش از چهارصد شرکت کننده در این گردهمایی روبرو شد. اعظم کم گویان در صحبتهایش با ابراز شادمانی از حضور و سخنرانی در صدمین سالگرد تولد سکولاریسم در جهان در زادگاه کمون پاریس و در پایتخت جنبش روشنگری- از جنبش توده ای جوانان و زنان و مشخصه های اصلی این جنبش یعنی نفرت سیاسی و اجتماعی از اسلام در ایران سخن گفت و سمپاتی و توجه فراوانی را جلب کرد. او کلیه نیروهای سکولاریست و آته ایست را به حمایت و پشتیبانی از این جنبش فراخواند تا بتوان موج آزادیخواهی پاکسازی اسلام سیاسی و رهایی از دین و روشنگری را در خاورمیانه بحرکت درآورد. سخنرانی اعظم کم گویان با کف زدنهای مکرر و ممتد حضار قطع می شد و ادامه می یافت.

سخنرانی دیگر اعظم کم گویان در باره اسلام و مولتی کالچرالیسم بود. در ادامه این سخنرانیها از وی برای ایراد چند سخنرانی در استرالیا آمریکا و کانادا دعوت بعمل آمد. روزنامه ها و مجلات متعدد سکولاریستی و

اسلامی که دلیلی بر وجود و دخالت آنها در زندگی معاصر خود نمی بیند و با الهام گرفتن از فرهنگ و تمدن غربی و انسانی، کل حاکمیت رژیم اسلامی را به مصاف طلبیده و دانش و تمدن بشری که با خرافه و جهل در کشمکش دائمی است از دید جوان جامعه ایران پنهان نموده است. برای جوان آوانگارد قرن ۲۱ عرصه سیاست و مسائل اجتماعی تجسم اینکه آخوند یا کشیش با آن شکل و شمایل و باور مسخره، فلسفی، ایدئولوژیک و اخلاقی ارتقا می‌تواند مظهر پیشرفت و تعالی انسان گردد، زیادی خنده دار و در عین حال تهوع آور است. این نسل ملزومات زندگی را می‌خواهد که جوان اروپا از دهه ۶۰ و ۷۰ برایش جنگیده تا امروز از آن برخوردار گردد. زندگی که در آن مذهب از قلمرو سیاست و زندگی انسان به شدت رنگ باخته و جای آن را مطالبات زمینی و حرکت رو به جلو دانش و تمدن بشری پر کند. به نظر من ضدیت با مذهب اصولاً حاصل ضدیت مذهب با انسان است. به شهادت تاریخ بشری، کشتار انسان به دست مذاهب و خدا صدها بار بیشتر از مرگ انسان توسط طبیعت بوده است. از زندانی کردن مخالفان و اعدام انسان سیاسی تا عدم آزادی پوشش و رابطه جنسی دلخواه، از سنگسار و به بردگی کشاندن زن تا اعمال تروریستی و انتحاری در دنیا، از به صلیب کشاندن اسپار تاکوس تا بریدن سر انسان توسط اسلاميون در عراق امروز، همه و همه محصول قدرت کثیف و سیستماتیک مذهب و به طور اخص اسلام در قرن حاضر است. روزی نیست که بشریت متمدن بر این قوانین و بر نمایندگان مومیایی از قبر بیرون آمده این تفکر، از ته دل لعنت نفرستد. من فکر می‌کنم از این زاویه میتوان ضدیت نسل جوان با اسلام و آن هم در شکل غلظت یافته آن یعنی رژیم اسلامی به عنوان نقطه هرم رهبری یک جنبش فوق ارتجاعی و ضد بشری در دنیای معاصر را درک کرد. این نسل با حمله هر روزه به ارزشها و باورهای عقب مانده

ایران است. هیچگاه آن جنبش عظیم ضد مذهبی شکل نگرفت که می‌بایست مذهب را به زباله دان تاریخ بسپارد. اما این دوران به حکم حاکمیت بیش از دو دهه اسلام و دخالتش در زندگی انسان یک بیزارای تمام عیار از اسلام و قوانینش به شکل جنبشی عظیم در جامعه شکل گرفته است. جنبشی که می‌خواهد مذهب از سیاست جدا شود. در مسایل اجتماعی علیه مذهب روشنگری شود، نقد شود و روز به روز نقش آن در جامعه و زندگی انسانها کم‌رنگ تر شود. نقد فلسفی، ایدئولوژیک و اخلاقی مذهب زمانی در جامعه ایران به پیش خواهد تاخت که دولت بعد از جمهوری اسلامی آزادی بیان و عقیده و نقد انسانها از مقولات و مفاهیم و باورهای موجود در دنیا را به رسمیت بشناسد. بورژوازی ایران همانطور که اشاره کردم بیمایه تر از آن است که چنین آزادی را به رسمیت بشناسد و به دست درازی مذهب علیه آزادی بی مذهبی و بی‌خدایی انسانها تعرض کند. تضمین چنین فضایی در فردای بعد از سرنگونی رژیم اسلامی کار حکومت سوسیالیستی است.

بی‌خدایان: بعضی از مظاهر نابرابری زن و مرد، بنظر می‌رسد، تبدیل به سنت شده و از خود مذهب جان سخت تر است. با توجه به اینکه اینها الزاماً قانون نیستند، چگونه می‌شود با آنها جنگید؟

فواد عبداللهی: اتفاقاً این سنتهای کثیف، قانون هستند. به نظر من انتزاع مقوله مذهب از کدها و سنتهای عقب مانده ای چون نابرابری زن و مرد، مردسالاری، قتل ناموسی و ... اشتباه بزرگی است. اگر این سنتها قبل از مذهب هم وجود داشته اند اما مذهب آن شکل سازمان یافته و سیستماتیکی است که کل ارتجاع تاریخ بشری را در دوره های مختلف نظم داده و هیچ جایی مذهب در تقابل با عقب ماندگی و اخلاقیات و ارزشهای ضد بشری قرار نگرفته بلکه دقیقاً

آلترناتیو قانونی کردن سنتها و باورهای خرافی بوده است. نقش مذهب در حقیقت، تشویق و ترغیب انسان به سویی از خود بیگانگی و سر منشا بالفعل کردن تبعیض و نابرابری مطلق بوده است. برای مبارزه با چنین سنتهایی باید ریشه مکانیسم قانونی کردن این سنتها یعنی مذهب را در جامعه خشکاند. اگر نابرابری زن و مرد، اعدام، شکنجه و سنگسار و زندانی کردن انسان و تحمیل حجاب و آپارتاید جنسی و ... لغو گردد و قانونی تصویب شود که این افسار گسیختگی های مذهبی را مهار کند و فاعل آنها را به محاکمه کشاند و در عین حال به شکل وسیع در جامعه روشنگری شود، آنوقت است که جامعه به سرعت با این درجه تعالی خود خواهد رسید. انسان مذهبی، انسان آغشته به سنتهای عصر توحش، بیمار است و باید علاج شود. اگر مرکز درمان معتادین و ترک اعتیاد در جامعه وجود دارد و به شکلی جامعه از اهمیت این ارگانها مطلع شده و پذیرفته است، باید به همان شکل مراکز مذهب زدایی و سنت زدایی به صورت گسترده برپا گردند و به ترویج و روشنگری و آموزش بپردازند و انسان را از دست این عجزه اعصار خلاص کنند. اگر انسانها از نظر اقتصادی در مضیقه و فقر و فلاکت نباشند، اگر از نعماتی که خود تولید میکنند به طور یکسان برخوردار گردند، اگر دولت استعداد و خلاقیت انسانها را کور نکند و منشا تغییر و تحول در زندگی شان به حساب آورد، اگر شرایطی فراهم شود که دیگر انسان از سر استیصال و درماندگی دست دعا به سوی آسمان دراز نکند و موانع زندگی اش روی همین زمین خاکی حل شوند، دیگر نیازی به وجود مذهب در زندگی انسان احساس نخواهد شد. جامعه ای که در فقر زندگی می کند هیچگاه انسانهایش از اسارت و طوق مذهب رها نخواهند شد.

پاسخی نو به سؤالاتی کهن معرفی کوتاه کتاب "تاریخ مختصر زمان"

اعظم کم گویان

فضا، بدون آغاز و پایانی در زمان،
وجود خالق و یا خدایی بی نیاز
است.

A brief History of Time
Bantan Publishers
2nd Edition, October
1996

**بی خدایان را
تکثیر و پخش
کنید!**

Holes چه هستند، کوچکترین ذره
ماده چیست؟ چرا ما گذشته را به یاد
می آوریم و نه آینده را؟ اگر در
گذشته اغتشاش و هرج و مرج در
نظم کیهان وجود داشت و اکنون
البته نظم، آن اغتشاش چگونه بوده
و چطور نظم یافته است؟ اصلاً چرا
کیهان وجود دارد؟
پاسخ سنتی پدر و مادر و یا معلم در
مقابل چنین سؤالاتی، عموماً بی
اعتنایی است. شانه ها بالا انداخته
می شود، چیزی در حد ایما و اشاره
گفته می شود و با توسل به دین و
ماورا الطبیعه پاسخ هایی ردیف می
شوند. بسیاری از مردم از درگیر
شدن در چنین مسائلی احساس
ناراحتی می کنند چرا که
محدودیت های درک بشر از این
مسائل را مفروض می گیرند.
کتاب "تاریخ مختصر زمان" نوشته
استفان هاوکینگ به مدت سه سال
در پایان دهه هشتاد در لیست پر
فروشترین های جهان بود و تا به
امروز نیز از کتاب های محبوب و
قابل اعتنای مردم است و به
زبانهای بسیاری ترجمه شد. بدنبال

در زندگی روزمره ما تقریباً چیزی
در مورد جهان پیرامون خود نمی
دانیم. ما در مورد سیستمی که نور
خورشید یعنی منشأ زندگی و حیات
ما را تولید می کند، نیروی جاذبه
که ما را به زمین متصل نگه می
دارد و در غیاب آن، به اعماق فضا
رانده می شدیم، یا به اتمهایی که از
آنها ساخته شده ایم و در اثر ثبات
آنها زنده هستیم، خیلی کم فکر می
کنیم.
بجز کودکان (که به اندازه کافی
متوجه نیستند که نباید در مورد
مسائل "مهم" سؤال کرد، تعداد
بسیار کمی از ما به چگونگی
طبیعت، اینکه دقیقاً چرا چنین است
و نه طور دیگری و سؤالاتی از این
دست، فکر می کنیم: "کیهان از کجا
و چگونه پدید آمده است؟" "آیا
همیشه در وضعیت کنونی خود باقی
می ماند؟"، "آیا زمان روزی به
عقب بازخواهد گشت؟" ظاهراً این
تنها کودکانند که کنجکاو هستند
بدانند حفره های سیاه Black

**کمیته دفاع از حقوق زنان در
خاورمیانه**

www.middleeastwomen.org
azam_kamguian@yahoo.co
m

ژوئیه ۲۰۰۵

جدایی دین و دولت در فرانسه و
آمریکا، ایران، مکزیک، هند و
روسیه، اروپای واحد و جدایی دین
و دولت، موقعیت زنان در جوامع
مذهبی و سکولار، مذهب، فرهنگ
و اخلاق، رسانه ها و جدایی دین و
دولت، مدارس دولتی و
سکولاریسم، علم و جدایی دین و
دولت. سخنرانان از هند، نیجریه،

از صفحه ۱

این کنگره با شرکت صاحب نظران
و فعالین آته ایست و اومانیست از
کشورهای گوناگون در مقر یونسکو
در فرانسه و در دانشگاه سوربن
پاریس برگزار گردید. مهمترین
مباحث این کنگره عبارت بودند از:
تاریخچه سکولاریسم و مساله

فواد عبداللہی: من یادم نمی آید که
هیچوقت به خدا و مذهب عقیده
داشته باشم گویی بی خدا و بدور از
مذهب متولد شدم و این شانس
بزرگی است که من داشته ام.

این در گرو قیام انسانهای زنده
امروز جامعه ایران و کوتاه نیامدن
از خواست سرنگونی تمام و کمال
اسلام سیاسی در ایران است.
بی خدایان: شما چگونه بی خدا
وجود دارید هرگز انسانها به طور
یکسان آگاه نخواهند شد. باید چنان
حمله ای به بنیان حکومت اسلامی
سازمان داد که دیگر نتواند روحیه
بازسازی خود و اشتهای دوباره به
حاکمیت و قدرت را بدست آورد و شدید؟

در هر صورت من معتقدم، اینکه
باید نشست و منتظر شد که احاد
مردم به طور یکسان آگاه شوند،
بطالت محض است. زیرا تا در
جامعه ای جنگ منافع و نابرابری

خدا، دین و حقیقت

"مفهوم زمان تا قبل از ایجاد جهان (کائنات) هیچ معنی نداشت." این نقل قول از سنت اگوستین اولین کسی است که این مساله را طرح کرد. وقتی از وی سوال شد که خدا قبل از خلقت کائنات چه می کرد؟ اگوستین پاسخی نداد. او داشت جهنم را برای مردمی که چنین سوالاتی طرح می کردند آماده می کرد. در عوض او گفت که زمان، خاصیت جهانی است که خداوند خلق کرد و قبل از آغاز جهان ناموجود بود.

استیون هاوکنینگ

بیائید از سجده و تعظیم به خدایان و پدران روحانی دست برداریم. با واقعیت ها روبرو شویم و به علوم کمک کنیم تا برای مصائب و رنجهای بشر کار سازنده ای انجام دهند.

ریچارد دوآکینز

استدلال می شود که آزادی عقیده بمعنی آزادی ابراز عقیده دینی بطور علنی در اجتماع است و دختران مسلمان باید در پوشیدن یا عدم پوشیدن حجاب آزاد باشند. نکته کلیدی در اینجا این است که آزادی چه کسی عملی می شود؟ برای بسیاری از زنان و دختران که در محیط های اسلامی زندگی می کنند، این رژیمهای اسلامی، شیخ ها و ملاها و ریش سفیدها و اعضای مذکر فامیل و طایفه هستند که برای زنان و دختران تصمیم می گیرند؛ آنها عملا از هر نوع ابراز آزادی فردی چه در خانه و چه در جامعه محروم هستند. برای زنان از منشا مسلمان در هر کجا که زندگی می کنند حجاب مظهر ستم و سلطه دینی است.

اعظم کم گویان

وقتی که به مردم تلقین شده که برخی از ابعاد دین غیر قابل سوال و انتقاد است، دیگر فاصله چندانی با خشونت و خودداری از بخشش نخواهیم داشت.

ارشاد منجی

مرگ خدای انجیل در صحنه جامعه اروپا چیزی است که بازیگران درام آته ایسم اومانیستی بدنبال آن بوده و تا حدود زیادی آن را متحقق کرده اند.

جورج ویگل متفکر دست راستی کلیسای کاتولیک

در بسیاری از عرصه های کلیدی زندگی بشر، دین ما را تهدید به ورود به بربریت جدید می کند. بن لادن و بی. جی. پی (هند) و جورج بوش نقطه اشتراک های فراوانی با هم دارند حتی اگر خود نخواهند این را قبول کنند.

یاسمین علیبای براون

خوب، فرق یک مبلغ "شاهد جهودا" که می خواهد شما پیام مذهب را قبول کنید با سیاستمدارانی که همان کار را در تلویزیون می کنند، چیست؟ درست است. شما نمی توانید سگ خود را در صفحه تلویزیون ببینید.

برایان رید

اسقفی می گفت که خدا همه جا هست. البته به استثنای زمان آشویتس که خدا بخاطر بیماریش از پزشک خود تصدیق دکتر گرفته بود.

روبرت مک نیل

غالبا می شنویم که رهبران مذهبی می گویند: "زمانی بود که به اخلاق در سیاست جایگاه خاصی داده می شد." منظور آنها از اخلاق، البته اخلاق خودشان است. هر وقت که کلیسا و مسیحیت بر "اخلاق" پافشاری کرده اند و گفته اند "اخلاق به حاشیه رانده شده است" منظورشان این است که اصول اخلاقی غیر مسیحی و انسان گرا اعتبار و نفوذ پیدا کرده اند.

فیلیپ هنشر

گروه های مذهبی امروزه نه تنها در دیالوگ تمدنها بسیار دست بالا را دارند بلکه سعی می کنند زبان ما را قطع و تخیل و تصورات ما را محدود کنند. توماس جفرسون معتقد بود که دیوار جدایی بین دولت و کلیسا مقدس است. امروزه این ایده و ضرورت این دیوار در خود کشور جفرسون و در بریتانیا لگدمال می شود و ما باید نگران عواقب آن باشیم.

یاسمین علیبای براون

دیگر نمی توانیم این واقعیت را که کسانی در همسایگی ما به متافیزیک شهادت و به حقیقت مجازی قرآن، کتاب وحی معتقدند را نادیده بگیریم. چون آنها به سلاح های شیمیایی، بیولوژیکی و هسته ای مسلحند. کلماتی مانند خدا و الله باید به اسطوره های تاریخ ادوار گذشته ببیوندند و گرنه دنیای ما را تخریب و رو به نیستی می برند.

سام هریس

ما باید بر اعصابمان مسلط باشیم و شهروندان را تشویق کنیم که مورد انتقاد و تردید قرار گرفتن، یک عارضه جامعه آزاد است که در آن کلمات تعرضی هر طور که ادا شوند و درباره مسائل مقدس و مذهبی و یا امور سکولار باشند باید با جواب و فضای آزاد روبرو شوند و نه سانسور و کنترل. ما به مطبوعات آزاد برای انتشار عقاید و آرا در این مجادله و مباحثه پیچیده نیاز داریم.

ارسولا آون

ترجمه اعظم کم گویان

دست مذهب از زندگی مردم کوتاه!

زنان: قربانیان اسلام!



عیان هیرسی علی

ترجمه: فرزاد نازاری

عیان هیرسی علی اعظم کم‌گویان و تسلیمه نسرين سخنرانان کنفرانس قربانیان جهاد در کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل در زنو در 18 آوریل 2005 بودند. متن حاضر ترجمه سخنرانی عیان هیرسی علی در کنفرانس فوق است. سخنرانیهای اعظم کم‌گویان و تسلیمه نسرين نیز در شماره های آتی بی خدایان منتشر خواهند شد.

به خاطر حساسیت این موضوع من با جدا کردن اسلام از مسلمانان شروع میکنم. اسلام می تواند بعنوان یک تمدن توصیف شود، نوعی از راهنمایی معنوی و مانند یک راه از زندگی و الاخر. بیشتر اسلام یک چهارچوب اخلاقی است،

و مرکز این چهارچوب این حکم است که معتقدین ویا پیروان، خواسته های خود را مطیع الله میکنند. چگونگی عملی کردن این اطاعت در قرآن و حدیث نشان داده شده است.

مسلمان میتواند هرکسی باشد، سوای نژاد و جنسیتش که تصدیق میکند و شهادت میدهد که هیچ خدایی بغیر از الله وجود ندارد و محمد پیامبر اوست. علاوه بر تقبل خدا و پیامبرش، یک مسلمان همچنین معتقد به چیزهای دیگر مانند وجود فرشته ها، قیامت و فهرستی از جهنمها و بهشت های مختلف، جانشینان دیگر پیامبر و این اعتقاد که دنیا همانطوری که در قرآن پیش بینی شده است روزی به انتها می رسد. اسلام آن طوریکه در قرآن و حدیث تألیف و گردآوری شده است میتواند ایستا و ساکن باشد. ولی شیوه ای که مسلمانان به مذهبشان عمل میکنند پویاست. به عنوان انسان آنها دارای منطق هستند، اگر آزاد باشند، مسلمانها میتوانند مانند مسیحیان و یهودیها که در گذشته انجام داده اند و هنوز ادامه میدهند با بازنگری و انتقاد از خود ترقی و رشد کنند.

من مستمر اسلام را نقد میکنم مخصوصا رفتارارش با زن که در قرآن و حدیث توضیح داده شده است. با این کارم من بسیاری از مسلمانها را از خود رنجانده ام و اتفاقا تعدادی از آنها میخواهند به من آسیب برسانند. باوجود این مایلم امروز همینجا به سمعشان برسانم که رد کردن بخشی از آموزه ها در اسلام به معنی رد کردن مسلمانها نیست. مسلمانها شایسته هستندو باید در اروپا و در هر جای دیگر به آنان مانند انسان نگریسته شود. چیزی که من میخواهم این نیست که مسلمانها را به خاطر اعتقادشان ترساند و تحت تعقیب گذاشت. چیزی که برای من قابل قبول است اینکه مسلمانها و حامیان غیرمسلمانشان این فرصت را داشته باشند که فکر کنند، نظراتم را منتشر کنم و وارد یک مباحثه اجتماعی درباره اسلام مانند یک چهارچوب اخلاقی شوم بودن اینکه وحشتی برای زندگی و جانم داشته باشم.

با این گفته من میخواهم از این قضیه دفاع کنم که در اسلام مقام زن مادون و پایین تر از مرد است. اخلاقیات جنسی در سرمشقها و تبلیغات اسلام وقتی عملی شود حقوق زنان و دختران را به شیوه ای بیرحم و ظالمانه زیر پا میگذارد. با بیان گفته ای مانند این من میدانم که باعث بوجود آمدن مخالفت های زیادی می شوم. جدل کردن با نقدهای من برایم خیلی جالب است، اجازه بدهید که این نابرابری را نشان دهم، طبق آموزشهای اسلام در قرآن و حدیث: مردان مسلمان آزادند هر جا که مایلند بروند در صورتی که زنهای مسلمان به خانه هایشان محدود شده اند، مردهای مسلمان برای خروج از خانه نیازی به اجازه زن ها ندارند در صورتی که زنهای مسلمان باید اجازه بگیرند، مردان مسلمان نیاز ندارند که زیبایی هایشان را بپوشانند ولی زنهای مسلمان باید پوشیده باشند، یک مرد مسلمان میتواند به سادگی تنها با گفتن سه بار این کلمات (از تو جدا میشوم) در حضور دو شاهد از زنش جدا شود، ولی زنی که میخواهد از مردش جدا شود حداقل باید این را ثابت کند که او قادر به تأمین نیازهای مادی اش نیست، باید ثابت کند که او ناتوان است و قادر به حامله کردنش نیست، باید موافقت ولی و سرپرست هایش را داشته باشد. مرد دوبرابر زن ارث میبرد، شهادتش در مواقع درگیریها و مشکلات دوبرابر شهادت زن است، فقط فرض کنید روز قیامت است زن ها از قول پیامبر میدانند که از نوع آنها در دوزخ فراوان است، زمانیکه مردها میتوانند همراه فامیلهای مردشان در بهشت بگردند و به دنبال 72 دختر باکره باشند. این خواسته قرآن است که زن باید فرمانبردار بی چون و چرای شوهرش باشد. برای مرد تأیید آرزوهای زن یک اظهار میل و اختیار است، یک مرد میتواند با زنش هر وقت و هر نوع که میخواهد آمیزش جنسی کند، ممانعت زن باعث نفرین فرشته ها و خشم شوهر میشود. اگر مرد زنش را از رختخواب براند، فرشته ها ساکت

زن هستند و ناراحتی و دلشکستگی زن ممکن است مرد را به این فکر سوق دهد که این غلبه شیاطین است که باعث امیال غیر قابل کنترلش شده است. بعضی مسلمانها که با من موافق نیستند میگویند که من اسلام را با آن نوعی که در وراتورن و سومالی عقب افتاده (محل تولدم) عملی می شود اشتباه گرفته ام. به قول آنها من باید اسلام آنطوری نگاه کنم که میلیونها مسلمان در کشورهای بیشتر صلح جو و مدرن مذهبشان را بجای می آورند. من اعتراف میکنم که حقیقتا مناطقی در دنیا هستند، مانند شهرهای بزرگ اندونزی (بزرگترین کشور مسلمان) ترکیه و تعدادی از کشورهای شمال آفریقا که اسلام تا اندازه ای خودش را با مدرنیته وفق داده است و همچنین این را اعتراف میکنم که هزاران مسلمان وجود دارند که رفتار برابری با زن مردو دختر و پسر دارند. به هر تقدیر من کسانی را که با توضیحات من در رابطه با نابرابری جنسی در اسلام موافق نیستند را دعوت میکنم که درجه غلظت آموزشهای قرآن و حدیث را و چگونگی واقعیت زندگی اکثریت کشورها با جمعیت های بزرگ مسلمان و مخصوصا آن کشورهای که امورات دولتی را بر طبق مدل محمد پیامبر تنظیم کرده اند را مقایسه کنید.

آیا کسی هست که توجه ای به زندگی تحمیل شده و عذاب آور روزانه زنان و دختران در ایران و عربستان کرده باشد (دو کشوری که بنیادشان شریعت است) که عذاب میکشند و روانشان تخریب شده است؟ و یا واقعیت شرع است که بردباری را مشکل میکند که کسانی تحمل انتقاد به اسلام را ندارند.

آیا درجه بالای بیسوادی زنان و دختران در 22 کشور عربی که توسط برنامه پیشرفت و ترقی انسان، سازمان ملل منتشر شده است

از صفحه ۱۰

است. ملاهای آریایی-شیعی از جنس

پندارد. واپس گرا و جهالت پندار است، عوام فریب است. آنتی اپوزسیون است البته منظورش از اپوزسیون فقط سکولارها و ضد دینها و کمونیستها هستند. از فرط خشم و عروج آن موج ضد دینی و اسلامی در هراسند و آسمان به ریسمان میبافند. میدانند که اپوزسیون از جنس ما حرف دل مردم و جوانان و زنان تحقیر شده توسط دین و آیین و تمدن نبوده امثال این فرد را میزنند و هر روز دستان دروغ گو شان را رو میکنند. اینها "زیراکسی" از نوع خود جمهوری اسلامی اند. ولی اینبار به جای آیت الله قرار

از صفحه ۹

بدی را آموزش می دهد. آشکارا، در همه مذاهب خوب، خوب است و آیه گناه هم همینطور. و بعد، مسلمین معتقدند که اسلام تنها مذهب حقیقی دنیا است. هیچ خاصیتی را در آنها نمی بینم که باعث جدانشدشان از بقیه دنیا شود. عموماً اخلاقشان را در همناوی با اصول پذیرفته شده، راست و دروغ، نخواهی دید.



زنان امروزه میشود را منحرف می جنسی توسط میسیونرهای مسلمان کند. به آنجا برده شده است) به وسیله این در میان فاکتورهای دیگر میگوید مدارس و مراکز مراقبت روزانه در شیهه ای که مسلمانها خانواده تشکیل میدهند و فرزندانشان را بزرگ میکنند دخالت کنید، از حمایتهای مالی از مدارس که بر اساس ایمان و اعتقاد بنیاد گذاشته شده اند دست بردارید.

سوءاستفاده ای کوتاه بینانه از این منابع مقدس توسط مردان در جوامع مرد سالار است. این بحث قانع کننده نیست چون اسلام توسط یک مرد در یک جامعه مرد سالار پایه گذاری شده است. اسلام یک مذهب قبیله ای است و چهارچوب اخلاقی جایی که مردان پرهیزکار در قبایل عرب مرتبه رفیعی را اشغال میکردند و تقدیس می شدند.

من قصد انکار این را ندارم که محمد پیامبر شرایط زنان را در قرن ۷ بعد از میلاد بهتر نکرد. برای نمونه لغو زنده به گور کردن دختران ۷ ساله و دادن این حق به مردان برای ازدواج با هر تعداد زن که مایل هستند، فراموش نکنیم شاید این ۱۴۰۰ سال پیش کاری انقلابی بوده باشد ولی امروزه شیوه ای خیلی زمخت و زشت از رده خارج شده است.

ارجاع دادن مداوم به بهبودی ای که زمانهای دور اتفاق افتاده است باعث قابل تحملتر کردن مقعیت کنونی درد آور زنان که با نام خدا از آنها سوءاستفاده میشود نمی گردد. تنها کاری که میکند این است که توجه را به زندگی و رفتار غیر انسانی که با

و علتش را مذهب و فرهنگشان ذکر کرده بود و یا گزارش منظورش بدنام کردن و توهین به کشورهایی است که تحقیق در آنجا صورت گرفته. چرا تعداد زنان و دختران مسلمان در خانه های امنی که برای نوجوانان دارای بحران و سوء استفاده خانگی ساخته شده اند اینقدر زیاد است. آیا یک تصادف است؟ یا سختگیری محض اسلام در باره الزامی بودن پرده بکارت است که باعث میشود و این امکان را میدهد که خانواده ها، توسط برادرها، پدرها و شوهرها کسانی که حتماً باید آنها را در برابر آزارهای داخلی حمایت کنند، دخترانشان را به این شیوه شکار کنند. برای رد کردن اظهارات من مخالفین من باید درست و حقیقی به این سوال مزاحمت ایجادکن جواب دهند.

بحثی که در دفاع از اسلام بیشتر عذاب آور است این است که رفتار ظالمانه با زن در این اندازه نتیجه و حاصل قرآن و حدیث به طرزى که منظور اصلی خداوند بوده است نیست بلکه نتیجه



سکولاریسم گام اول در آزادی از دین

آپ دیت



اعظم کم گویان

۲۵۰ بلیون پاوند برای شستشوی مغزی کودکان در بریتانیا

دولت بریتانیا درصد است برای ترمیم و بهبود وضعیت مدارس مذهبی در این کشور طی ۱۵ سال آتی، ۲۵۰ بلیون پاوند به این مدارس که عبارتند از ۳۰۰ مدرسه کلیسای انگلستان، ۳۵۰ مدرسه کلیسای کاتولیک، ۲۳ مدرسه مسیحی دیگر، ۵ مدرسه یهودی، ۲ مدرسه اسلامی و یک مدرسه سیک از بودجه دولت و از محل مالیات مردم بپردازد.

کانال تلویزیونی بخاطر دست انداختن پاپ از طرف دولت فرانسه تهدید به جریمه شد!

شورای رسانه های فرانسه که یک نهاد دولتی است بشدت از کانال تلویزیونی پلاس که پاپ جدید راتزینگر را بعنوان "آدولف هیتلر دوم" دست انداخته و عبارت "خدا، پسر و رایش سوم" را در مورد وی بکار برده بود، انتقاد کرد و آن را تهدید به جریمه نقدی کرد. این شورا گفت که اگر حساسیت های مذهبی، سیاسی، و فرهنگی مردم نادیده گرفته شود،

رسانه ها جریمه نقدی خواهند شد. کانال پلاس یک شبکه تلویزیونی پر طرفدار است که یک روز پس از انتخاب راتزینگر کاردینال آلمانی به مقام پاپ، برنامه مورد ذکر را پخش نمود. مدیریت این کانال پس از دریافت تهدید، عذرخواهی کرد. با این حال رئیس این شورا به آن اخطار رسمی داد که در تاریخ ۱۷ سال گذشته بی سابقه بوده است.

صدمین سالگرد تولد سکولاریسم در فرانسه

امسال صدمین سالگرد تولد سکولاریسم و جدایی دین از دولت در فرانسه در ماه نوامبر جشن گرفته می شود. صد سال پیش در ۹ دسامبر ۱۹۰۵، قانون پیشنهادی آرستید بریان عضو سوسیالیست مجلس فرانسه برای تصویب جدایی دین و دولت، به رای گذاشته شد. کاربرد این لایحه در مورد چهار دین اصلی مسیحیت کاتولیک، مسیحیت لوتری، کالوینیسم و یهودیت در فرانسه بود.

قانون مصوب، نقطه پایانی بر کونکوردات ناپلئونی مصوب ۱۸۰۱ و درهم تنیدگی دولت و کلیسای کاتولیک گذاشت. این قانون، آزادی دین و عبادت را برسمیت شناخت و بنیادهای سکولاریسم را در این کشور پی ریزی کرد. دو ماده اصلی ای قانون عبارت بودند از:

ماده ۱- جمهوری فرانسه آزادی وجدان و عبادت را تصمیم می کند، ماده ۲- جمهوری فرانسه پرداخت هر نوع تامین مالی، سوبسید و امثالهم به هیچ مذهبی را برسمیت نمی شناسد

سازمانهای سکولاریستی اروپا به مناسبت صدمین سالگرد تولد سکولاریسم در فرانسه و اروپا، مراسمی را در پاریس برگزار و بیانیه مشترک رسمی را که بدنبال

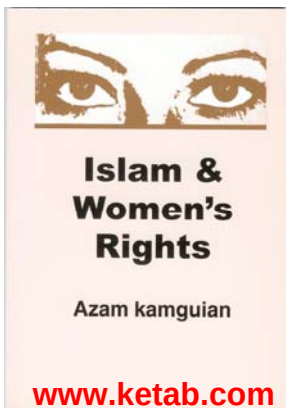
زنده باد آزادی کفرگویی!
در بیستم ماه آوریل یک کشیش نیروژی ساکن سوئد که طی مراسمی مذهبی، محمد را بدلیل ازدواج با عایشه ۹ ساله پدوفیل خوانده بود از جانب اسلاميون فتوای مرگ گرفت. در همین رابطه یکی از اسلاميون به روزنامه اکسپرس چاپ سوئد گفت: اگر این کشیش بیشترین حمایتهای امنیتی پلیس را هم داشته باشد باز هم وی را با شلیک گلوله از پا در می آوریم. اکنون مردم در نگرانی از ترور و عواقب کن توسط جریانات اسلامی هستند. بنا به گزارشات جامعه مسلمان سوئد تهدید کرده که از این کشیش به جرم اشاعه تنفر از مسلمان و اسلام به دادگاه شکایت خواهد کرد.

امتحان سکولاریسم برای متقاضیان شهروندی در فرانسه
براساس مقررات جدید در فرانسه، هر مهاجر و یا پناهنده ای که بخواهد شهروند این کشور بشود باید در امتحان سکولاریسم قبول بشود. درباره علت وضع این مقررات گفته شده که سکولاریسم ارزشی پایه ای است که کشور فرانسه را شکل داده است. از جمله سوالات این امتحان سکولاریسم این است که: "آیا فرانسه باید اجازه ابراز سمبلهای مذهبی را در مدارس و محل کارهای بدهد؟ آیا بنظر شما زن و مرد برابرند؟ رنگهای پرچم فرانسه کدامند؟" جزوای در مورد فرهنگ فرانسه و سه ارزش پایه ای آزادی،

اسلاميون سودان درصد لینچ کردن یک ژورنالیست بدلیل کفرگویی

۲۰۰۰ تن از اسلاميون کف بر لب آورده و هیستریک به فراخوان یک ملا در اطراف دادگاهی که محمد احمد سردبیر روزنامه "ال وفاق" در آن محاکمه می شد تجمع کرده و خواهان مجازات فوری اعدام وی شدند. محمد احمد در روزنامه خود مقاله ای را منتشر کرده بود که در آن گفته شده بود که محمد پیغمبر اسلام پسر عبدالله نبوده و در طایفه هاشمی در مکه هم متولد نشده است.

بدنبال این واقعه دادگاه تا اطلاع ثانوی تعطیل و متهم نیز به محل دیگری غیر از بازداشتگاه قبلی خود برده شد.



ملاهای اهورایی و آنتی سکولاریسم



فرزاد نازاری

پیرامون سخنان مجهول الهویه ای به نام آقای هیچکس در رابطه با دین و حکومت:

افاضات عرفان گونه و شارلاتان مابانه بعضی از تحصیل کردگان و عوامفربیان که هر آنچه را که برای خود نمی خواهند، آرزویش را برای مردم می کنند تماشایی است. زمانی که ابزاری از ابزارهای تحمیق و سرکوب مردم دیگرپوسیده می شود و می رود که مورد هجوم قربانینش قرارگیرد، مدافینش از هر رقم و با هر لباس به میدان می آیند که اگر شده جلو این روند و پروسه را بگیرند. امروز اسلام و عموماً دین و پدیده شوم خدا در مقابل مردم به ستوه آمده ایران از آن، در این موقعیت و دقیقاً به این خاطر است که مجهول الهویه هایی مانند آقای هیچکس ظاهر میشوند و تلاش میکنند با پیچیدن نسخه هایی از این قبیل نوشداروی قبل از مرگ شوند. آخوندها و بچه آخوندهای کراواتی و تحصیلکرده در دانشگاههای جاها و ممالکی که بویی از فرهنگ و تمدن بزرگ ایرانی نبرده اند و می خواهند فرهنگ و تمدن آبا و اجدادی این

حضررات را بی رنگ و نابودش کنند! این فرد رجزهای زیادی در باره دین و حکومت نوشته اند که پرداختن به همه اینها نه در حوصله این مطلب است و نه سودمند به حال انسانهای بسته آمده. با هم به بخشی از استتالهایش در باره دین و حکومت و نیازمندی انسان و جامعه به مذهب، نگاهی بی اندازیم و ببینیم این نوع مدعیان عالم العلم به کجا تعلق دارند.

استتالهایش را با تعاریف من در آوردی از سکولاریزم و دین شروع میکنند که به زعم ایشان در ایران 70 میلیونی و نسل جوان تشنه مدرنیسم و دانستنش، این فقط ایشان هستند که سواد خواندن و نوشتن این کلمه های قلمبه سلمبه! را دارند و اپوزسیون ناآگاه هم دارد امت و مریدان علی که اخلاص عملش شهره خاص وعام است! را به بیراهه میبرند و در صدند که فرهنگ آقای هیچکس را نابود کنند.

میگوید: "در فرهنگ و تمدن بزرگ ایران که میخواهند بیرنگ و نابودش کنند (اینجا منظور از فرهنگ و تمدن ایران اسلام است) روایت "به یارو گفتند حرفهای گنده بزن گفت شتر، فیل، زرافه!" حال از روشنفکرها، سیاسیون، و به اصطلاح اپوزسیون می پرسیم برای فردای ایران چه حکومتی مناسب است بسیاری میگویند نوعش رافعلا صحبت نکنیم، ولی سکولار خوابود. هژمونی، نوستالژی، الیگارش، سکولاریسم کلمات قلمبه سلمبه بعضی از متفکرین ما برای اثبات خیلی دانستن آنها ست. اگر بپرسی سکولاریسم یعنی چی میگویند جدایی دین و حکومت؟ عجب دروغی و عجب اپوزسیون ناآگاهی!". کلمه های قلنبه غیر ایرانی، ناخالص، بیگانه، عادی ترین کلماتی هستند که در بین خیلی از مردم این دنیا و ایران حتی نیازی ندارند که برای فهمشان مانند آقای هیچکس مجبور به کالبد شکافی زبانشناسانه شوند و هم اکنون وجودشان در تمام زبانها آنقدر عادی است که مردم و جوانان نه تنها آنها را قلمبه سلمبه نمیدانند بلکه بخشا از زبان محاوره ای شان هم شده است. شاید معانی این نوع کلمات برای اصحاب کلهی مانند این آقا مشکل باشد ولی اگر معانیشان را نمیفهمند و از این نظر عصبی هستند میتوانند به انواع دیکشنری و دایرةالمعارف و منابع مختلف رجوع کنند تا از عصر اصحاب کلهف اگر شده قدمی بزرگ به دنیای مدرن بگزارند و یا از این نارسسیسم بدقواره خلاصی یابند، اگر مانند جمهوری اسلامی از هجوم فرهنگی غرب نگران نیستند. قبل از هر چیز این تمدن بزرگ ایران برای ما که حد اقل در آن جغرافیا بدنیا آمده ایم و زبانش را مینویسیم و میخوانیم تا به حال جلوه ای از این تمدن بزرگ برایمان پدیدار نشده است، شاید منظور ایشان از این تمدن تخته سنگها و ستونهای تخت جمشید و سنگواره های متعدد و شیر سنگی و پاسارگاد و کورش و داریوش و هوخشتر و کمبوجیه و غیره باشد. شاید فساد شاهان ساسانی باشد و یا شاید انوشیروان و یزدگرد و لشکر رامشگران و آشپزهایش و تاخت و تازهای نظامی و قتل و غارت مردم ستم کشیده در آن زمان باشد و یا شاید شاعران ضد زن و پدوفیلیست و غیره باشد و یا شاید سوزاندن آتن به دست خشایار شاه باشد، کسی چه میداند. و یا شاید نادر شاه افشار و شاه عباس و آقا محمد خان قاجار و چشمهای از حدقه در آمده شهروندان آن زمان و یا شاید بستنی اکبر مثنی و شله زرد و دیزی و غیره و یا شاید عظمت بازیافته و پهلوی یان و به دنبال خمینی ها و الگوهایشان مانند پیامبر گرامی! و غیره مانده داستانی خواندیم و نه کسی در گوشمان در باره عروج انسان گرایی و احترام به انسان نجوایی کرد که از این تمدن بزرگ نشأت گرفته باشد. که بگوید انسان اصل است نه خاک و قلوه سنگ ایران و توران. تقصیر ما چیست ما که کریستس آنرا نداریم که ما

دانته ها و اسپینوزاها و روسوها و سارتر ها و مارکسها نداشته ایم، ولی تا دلتان بخواهد مجیزگو و کاسه ایس شاه و آخوند و خاک و کوه و کمر داشته ایم. اگر ادبیات باستان ایران را با ادبیات باستان روم و یونان مقایسه کنید می بینید که ادبیات باستان روم و یونان بیشتر مکتوب تر و قابل فهم تر است برای مثال همان رجوع مورخین اسلامی به امثال هروdot کهف اگر شده قدمی بزرگ به دنیای مدرن بگزارند و یا از این نارسسیسم بدقواره خلاصی یابند، اگر مانند جمهوری اسلامی از هجوم فرهنگی غرب نگران نیستند.

می گوید: "اگر بپرسی سکولاریسم یعنی چی میگویند یعنی جدایی دین و حکومت؟"

عجب دروغی. باید بگویم که بر خلاف میل شما سکولاریسم نه فقط جدایی دین و حکومت بلکه معنی اش جدایی دین و مذهب از آموزش و پرورش هم هست یعنی دستگاه ضد انسانی دین باید از دولت و از جامعه و از آموزش و پرورش کوتاه شود این دیگر فرقی ندارد این مذهب اسلامی است و یا اهورایی و بخشی از تمدن ایران باستان و یا کاتولیسم کوکاسکلانی. و برای اینکه ثابت کنند که این اپوزسیون نا آگاه است و دروغ گو و به اندازه این استاد تحصیل کرده باسواد! هم نمیفهمد عرق میریزند و شب خوابی میکشند! تا دست به یک تلاش بیهوده برای درست کردن کلمه ای مترادف کلمه دکترین با زبان اصیل پارسی بزنند که بیمار گونه و از نوع تلاش جمهوری اسلامی برای عوض کردن اسمها و کلماتی است که از هجوم فرهنگی غرب آمده است! هیچ کاریش نمیتواند بکند فقط به طرز احمقانه و خودفربیی اسمش را عوض میکنند، مانند (هلیکوپتر به بالگرد، کامپیوتر به رایانه، فاکس به نمابر، بیچاره ها فکر میکنند با این کار میتوانند جلو این دنیای مدرن و ادغام شدنش را بگیرند) و تلاش میکند کلمه گراپندار را جایگزین دکترین کند تا باسوادی اش را اینچور به رخ این اپوزسیون بی سواد و عامی بکشد! فردا اگر دنیا بروفق مراد این فرد پیش رود که

چرا مسلمان نیستم

ناشناس

اگر وقتش درست یادم باشد، سال ۱۹۹۳ یا ۱۹۹۴ بود شروع به تفکری انتقادی کردم و آموزه های اسلام را همراه با منطق سنجیدم. در یک خانواده مسلمان ارتدکس، در کشور اسلامی پاکستان دنیا آمد. در پنج سالگی به مدرسه و همزمان با آن به نزد ملایی برای یادگیری زبان عربی فرستاده شدم تا بتوانم متن عربی قرآن را بخوانم. در ۴-۵ بعدش به اندازه کافی قادر بودم متن عربی قرآن را بخوانم. تا آنجا که من فهمیدم ۹۰٪ جمعیت پاکستان قادر به دانستن این که قرآن چه درسهایی میدهد، نیستند، عربی را نمی فهمند و زحمت خواندن ترجمه را هم به خود نمی دهند. تصویری غلط در تفکر تمام مسلمانان وجود دارد، اینکه فقط خواندن متن عربی قرآن است که عمل به پاداش بزرگ خداوند است. هنگامیکه دروس اسلامی در مدارس برای تمام دانش آموزان مسلمان موضوعی اجباری شد. همچنین مدرسی اختصاصی برای مسیحیان وجود داشت، اما جاهای زیادی هستند که این مدارس موجود نیستند و دانش آموزان غیر مسلمان باید قبول کنند که به مدارس اسلامی بروند، جایی که هیچ چاره ای ندارد جز اینکه دروس اسلامی را همراه دیگر دانش آموزان بخوانند. چند روز پیش می بایست خواهر زاده ام را برای پذیرش به مدرسه ببرم. طبق معمول هست که در سر صف قبل رفتن به کلاسها آیه هایی از قرآن را تلاوت میکنند، من عمدا از معلم در باره دانش آموزان مسیحی و گوش کردنشان به انعکاسهای قرآنی پرسیدم. با افتخار گفت که باید در صف بمانند و به همه گوش دهند، که به نظر من برای

مسیحیها نباید اجباری باشد. اما نه آنها و نه مدرسه چاره دیگری ندارند. زندگی دنیوی کاملاً موقتی است و برای مسلمانان زندگی جاودانه در بهشت است، مسلمان خوبی باش و جایی برای خود در بهشت داشته باش. این اولیه ترین درس کودکان مسلمان است که در عمل یک قصد غیر مستقیم برای درست کردن احساس نفرت در اذهانشان، نسبت به این دنیا است. دنباله، خلاصه ای از آیین های مذهبی است که به شخص یادآور میشود که در یک کشور خیلی اسلامی است و هیچ مذهب دیگری به غیر از اسلام در جهان وجود ندارد. به خاطر وجود فرقه های زیاد در اسلام من سعی می کنم آن مراسمی را ذکر کنم که همه از آن پیروی می کنند. مراسم روزانه: با شروع سحر قبل از طلوع آفتاب اذان پخش می شود با پیشوندها و پسوندهای شعرگونه در تجلیل از محمد، مردم را برای نماز فرا میخواند. این فقط در یک مسجد اتفاق نمی افتد بلکه در دهها مسجد دوروبر اتفاق می افتد. این وضع پنج بار در روز وجود دارد. مراسم هفتگی: جمعه مقدس ترین روز هفته است. روز جمعه ملاها آزادند که از مسجد برای موعظه به نفع فرقه های خود استفاده کنند. مراسم سالانه: الف. رمضان مقدس ترین ماه در سال اسلامی است، دوباره ملاها آزادند که وسیعاً از این ۳۰ روز استفاده ببرند. در این ماه یک دعا هست که روزانه بعد از نماز شب اجرا می شود. در این ماه هر روز یکی از ۳۰ سوره های قرآن در بلند گویای سقایی مساجد خوانده می شود. ب. عید فطر، سه روز از شادی، درست بعد از کامل شدن ماه رمضان در روز اول دعایی مخصوص در مسجد بعد از طلوع آفتاب اجرا میشود. ت. عیدالادا که در دهم و دوازدهم ماه اسلامی ذیحجه جشن گرفته می شود، که

دعای مخصوصی در مسجد بعد از طلوع آفتاب خوانده می شود. در این روز حیواناتی مثل گوسفند، گاو، بز، شتر به پیروی از سنت ابراهیم قربانی می شوند علاوه بر این روز مسلمانان از دنیا در مکه شهر مقدس مسلمین در عربستان سعودی برای بجا آوردن حج که یکی از پنج ستون اسلام است، جمع می شوند. د. محرم که مقدسترین ماه مسلمانان اهل تشیع است. در طول این ماه شیعیان برای مرگ نوادگان محمد که به دست یزید حاکم وقت کوفه کشته شدند، عزادار میشوند. شیعیان در امامبارگاه (مسجد شیعیان) مورد احترام خودشان جمع می شوند و در صفهایی منظم به طرف امامبارگاه اصلی شهر حرکت می کنند. در تمام طول را سینه می زنند و با چاقوهایی تیغ مانند که به زنجیر بسته شده به پشت خود می زنند. این دسته ساعتها طول می کشد تا به جای اصلی برسد. مهم است که این را ذکر کنم که وقتی که دسته راه می افتد جاده با همه جور ترافیکی بلوکه می شود. اگر در پاکستان، جایی که فعالیت های اسلامی، تمام وقت محاصره ام کرده اند نبودم، شاید وضعیت فرق می کرد. شاید بتوانم دقیقاً بگویم که در اوایل چه چیزمخصوصی در اسلام باعث شد که در ذهن من چیزی علیه اش گذاشته شد. شاید نماز پنج وخته بود، شاید ۳۰ روز روزه ماههای خرداد و تیر ویا چیزی دیگر. یادم می آید که در دوران نوجوانی و اوایل بیست سالگی مسلمانی ارتدوکس بودم. بیشتر زندگی ام را با ایدئولوژی صرف کردم که مرسالار است، سکس محور است، به دور یک نفر و تعدادی از همقطاراتش می چرخد. در عمل اسلام چیزی نیست که مورخین بازگو کرده اند، بلکه چیزی است که در قرآن است. که بنیاد گرایی و تروریسم آموزش میدهد. اسلام واقعی به زن بی احترامی می کند، به مردها اجازه می دهد که

زنهایشان را کتک بزنند، قوانین تبعیض آمیز علیه اقلیت های دینی وضع میکند، که می خواهد با مسلمان کردن مردم دنیا بر دنیا حکومت کند. که فراخوان جهاد و کشتن غیر مسلمانها را تا زمانی که اسلام تنها مذهب دنیا نشده را می دهد. مطابق اسلام بجا آوردن پنج وعده نماز روزانه اختلاف حیاتی است بین مسلمان و غیر مسلمان. علاوه بر این مسلمانان را از اعمال بد دور نگاه می دارد. به عنوان نمونه من سالها از نزدیک مردم زیادی را زیر نظر گرفته ام که نماز می خوانند، روزه می گیرند، به حج می روند و غیره که مشغول کارهای شیطانی هم هستند. در مقابل من مردمانی را دیدم که به اندازه اینها مذهبی نیستند و برای دیگران با قلبی صبور و سرشار از مهربانی کارهای خوب انجام می دهند. من این را خواهم گفت، شخصی که یاری دهنده و به حال انسان نوعی سودمند نیست، بهتر است که نباشد. من دوباره این را میگویم، مذهب خوب نیست. من از آنهایی که مردم را به اسم مذهب می کشند متنفر هستم. نباید کسی باشد که قوانین را در دست بگیرد. آنها کسانی هستند که صلح را بر روی زمین خراب کرده اند. می بایست با دست هایی آهنین روبرو می شدند. به گفته آنها این آموزه های اسلام است، اگر حقیقت دارد پس درس خونریزی است و اگر چنین است این درس تخریب است. غرایز انسانها همه شبیه به هم است. شرایط و محیط است که تغییرات رفتاری عمده در من بوجود می آورد نه مذهب. اگر کسی در محیطی خوب زندگی کند. دست آوردهای مثبتش را ترقی میدهد، که کمک می کند شخص مثبت باشد. در مقابل اگر کسی در محیطی ضعیف رشد کرده باشد رفتارهای مودبانه را ترقی می دهد. مسلمانان می گویند که اسلام تنها مذهبی است که کار نیک کردن و دوری گرفتن از

یک فرض محال است باید یک دوره دیگر انرژی و سرمایه مردم را صرف کنند که جلو این هجوم فرهنگی را به فرهنگ آریایی بگیرند. باید اینها را تحویل نوعی از بیمارستانهای های روانی داد، پرداختن به همه دنیای این جناب فقط حوصله آدم را سر می برد و در آخر نتیجه میگیرد که سکولاریزم جدایی دولت از مذهب است نه از دین. من نمی دانم فرق بین دین و مذهب چیست به غیر از اینکه مذهب شاخه های متعدد از همان دین است که به مرور زمان از طرف خود مذهبون برای فشار بر اصلاح دین غالب درست شده است در دین اسلام، تشیع و تسنن و هر کدام از این مذاهب اسلام خود شاخه ها و فرقه های متنوعی را شامل میشود در تسنن مالکی شافعی و حنبلی و غیره و در تشیع جعفری و دوازده امامی و غیره. در ادیان دیگر هم به همین شیوه است در مسیحیت سه شاخه اصلی ارتدکس، کاتولیک، و پروتستان و هر کدام از اینها هم خود شاخه های گوناگون دارند دلایل به وجود آمدن این شاخه ها و فرقه ها همگی دلایلی تاریخی است که از حوصله این نوشته خارج است ولی به طور کلی این تلاشها همگی یا تلاش خود مردم در برابر دین حاکم بوده است برای مثال پروتستانیم و لوتر آلمانی و جنگها و خونریزها علیه کاتولیک قدر قدرت و عروج پروتستانیم و نهضت رفرما سیون مذهبی که همان جیش اعتراض علیه کلیسای کاتولیک را نمایندگی می کند. یا تلاش خود روحانیون برای نجات دادن کل دین. مثالهای زیادی در این رابطه هست. پس معنی سکولاریزم را بازور زدن و خود را مرکز عالم علم پنداشتن نمیشود عوض کرد و برای خود معانی من در آوردی درست کرد. سکولاریزم قبل از اینکه یک

کلمه باشد یک جنبش در میان مردم فرانسه بر علیه قدرت تام دین در دست اندازی به تمامی شئونات زندگی انسان و جامعه و دولت بود و همین جنبش ضد دینی باعث شد که این خواست کوتاهی دست دین در دولت مانند قانونی در ۱۰۰ سال پیش علیرغم میل قدرت حاکم تحمیل شود و عملاً جامعه غیر دینی فرانسه که وارث انقلاب کبیر فرانسه بود را گامها به پیش ببرد. و اگر هم دنبال معنی درست سکولاریزم میگردید و ریگی به کشتان نیست میتوانید به دیکشنری اکسفورد مراجعه کنید تا اگر هم شده حد اقل به اطلاعات عمومیتان اضافه کنید که سکولار و سکولاریزم را چگونه معنی میکند. و یا از دعوام فریبیتان کم کنید. دین خوب بودن و مذهب چگونه خوب بودن. دو پدیده مجزا هستند و یکی ناشی از دیگری نیست. تمام ادیان و مذاهب که شاخه ها و شعبه هایی از ادیان هستند هیچوقت مدعی بد بودن را نکرده اند. هر دینی و هر مذهبی معتقد است که راه رستگاری انسان است. ولی این دروغ بزرگ حد اقل امروز به عیان جلو چشم مردم است، که مشکل نه مذهب و به قول ایشان چگونه خوب بودن بلکه خود دین است که زیر سوال است. همین گفتار نیک و پندار نیک و رفتار نیک. آیا چیزی تفسیر بردار نیست. از نظر هر دین و مذهب یک نوع رفتار، نیک است و نوعی دیگر بد، یک نوع پندار، نیک است و نوعی دیگر بد. در دین اسلام حجاب از ستونهای ایدئولوژیک دین است و بیحجاب باید بلایی سرش بیاید که میشناسیم. در اسلام شرابخواری حرام است ولی در مسیحیت خیر. در مسیحیت و کاتولیسم استفاده نکردن از کاندوم نشانه ایمان به خداوند است ولی استفاده کردن آن قبیح و ضد دینی است. در مذهب

اهورایی این بابا که دفن مردگان وجود نداشت و آنها را در بیابان پرت میکردند و اگر کسی نمیخواست اینکار را بکند و مرده اش را دفن میکرد حتماً مستوجب عقوبت میشد و سیبل فتوای روحانیون زرتشتی میگردد. در دنیای متمدن، نیاز امروزی انسان مدرن است که برای پیش رفتن و جلوگیری از بین رفتن موانع جلو این پیشرفت را از بین ببرد. دین هم یکی از این موانع است چون نقطه عزیمت دین انسان و نیازهایش نیست بلکه خوبی و بدی است که خداوند برای او تعیین میکند. حال اگر کسی این تعبیر خداوند از خوبی و بدی را نپذیرد تکلیفش چیست. آیا نباید پرسید که هدف این همه بازی با کلمات و تعاریف من در آوردی چیست. هدف رستگاری انسان است، هدف رسیدن به یک جامعه انسانی است که در آن انسانها بدون تعلقات اجتماعیانشان صرفاً به خاطر انسان بودنشان از حقوق برابر برخوردار هستند و آزاد. چگونه میتوان مدعی این جامعه شد زمانی که ما باید مریدان دست به سینه موجودی ماور الطبیعه باشیم که هر دین و مذهب و آخوند و کشیش و خاخام و مغبی، مانند آقای هیچکس به میل خودش آنرا در جهت منافع خود تعریف و تفسیر میکنند. در زمانی که به سادگی میتوان سیستمی انسانی را درست کرد که نقطه عزیمتش انسان و رفاه و آسایش آن باشد. آیا این نوع مکاتب و سیستمهای انسانی کم هستند که فقط باید به دین چسبید و یا نه قضیه از جای دیگر آب میخورد، و آن نیازمندی حاکمان امروز و دیروز به دین به مانند ابزاری که مردم را در انقیاد نگه میدارد تا بتواند بیشتر و سهلتر شیره جانشان را بکند. معلوم است که قضیه از اینجا آب میخورد. در ایران امروز دین و ایدئولوژی اسلام و نمادهایش در نزد

مردم و بخصوص جوانان ورشکسته شده است. زمانی که آیت الله های خون آشام در نمایش انتخاباتی نشان برای جلب دل جوانان غرب زده میشوند و تمامی اسلام را به باندرولی غربی میفروشند، دیگر تلاش بچه آخوندهای اهورایی شده نوش داروی بعد از مرگ است. و در پایان این نیمچه مغ اصلاح طلب اهورایی دستش را به خوبی رو میکند و خود رشته های خود را پنبه میکند. و میگوید که شیعه علی را شاه مردان و سمبل مردانگی میدانند اینجاست یعنی توافق کنیم که برخیزیم و شروع کنیم مردانگی را برای ایران و نجات ایران از بلای نامردانگی نا مردان. حکومت نامشروع، اپوزسیون نامشروع، امیال بیگانه نامشروع، ملت در مانده. تا بوده همین بوده و همین خواها بود. مگر اینکه من بر خیزم و کار دگر کنم. ببینید این کلاه مخملی های از فرنگ برگشته، بیگانه ستیز. مرد سالار، زن ستیز چگونه خود را مرکز عالم میندازند و فکر میکنند که همه مردم هنوز سر جالیزند تا عین الله باقر زاده از شهر برگردد و از محاسن ده برایشان تعریف کند. وطنشان را نامردان دارند از بین میبرند و مردم منتظرند تا سوپرمنی دیگر از جنس هخا بیاید و آنها را با یا علی یا علی نجات دهند و زنها هم همان آجی هایی هستند که باید منتظر بمانند تا طیب محل از خارجه برگردند و آنها را از دست ناکسان نجات دهند. یا علی! اشخاص مانند این آقا حال مهم نیست که پشت این اسم مستعار کی خوابیده است. ولی ادبیات از قماش همان ادبیات اسلامی است. بیگانه ستیز است، زن ستیز است. آنتی مدرن است. خود خواه و آیت الهی است. خود را مرکز عالم می

باورهای تلخ مردمان

اسماعیل خضری

و از حواله کردن دغدغه ها و سد های سر راه زندگی که بوسیله انسانهای زمینی بوجود آمده اند به نیروی هیچکاره و نامأنوسی به اسم خدا و دوستان و همکارانش خودداری کنند. کمالینکه نیروی خلاق و فکر غالب انسان جوری است که در طول تاریخ بشری هم تمام کارها و اعمال خداوند خیالی و دست ساخت بشر هم به فرمان مغز و بوسیله دستان پر توان انسانها به انجام رسیده است. اگر به صورت متاسفانه به صورت فزاینده ای رواج داده اند و توجیه نموده اند که باعث آرامش ذهن و روان انسان می شوند و بدین صورت زنان به جای دفاع از خودشان با کلماتی حزن آلود و نا امید کننده در صدد دفاع برمی آیند. از آن جمله می گویند: توی ظالم را به خدا محولت می کنم. آه وناله من شما را نابودکند یا نابود خواهد ساخت. هرکسی من را اذیت کند سنگ برسرش باریدن خواهند گرفت و بدین صورت گویا دردش درمان شده و مشکلات و کارهایش راست و ریس می شود و در مقابل آنها هم اشخاص ظالم مهار کنند و در موقع لزوم خدا و راست راست در کوچه ها و پس کوچه ها می لولند و سرگرم کارهای ناروای خویشند و هیچ بلایی گریبانشان را نمی گیرد و در عوض به صاحبان این افکار و احوال قاه قاه می خندند. جاری ساختن درد و جور بر زبان تاحدودی باعث طراوت و باد خوردن افکار می شود صد البته اگر نزد روانشناس باشد و حالت مشاوره داشته باشد ولی به طریق ذکر شده به یاری خویش برخواستن هیچ مشکلی را حل نمی کند که هیچی در دراز مدت به علت تراکم این همه عقده و توسری خوردن (انسان مظلوم) باشخصیتی تارو مار شده در جامعه ظاهر می شود. جالب ون رسند و کاملاً وحسابی خیس می یک آن باشد بادستان خود و شوندا! چونکه اجرای این نمایش بایاری و همیاری همنوعان و هم باعث می شود به گفته خودشان خدا دردان خویش، گردن کلفت ظالم یا ملایکه باران دلشان به رحم آید و را بصورت یک تار مو در آورند باران ببارد. در این مراسم یک

مترسک بوسیله پارچه های رنگاورنگ و دو تکه چوب به شکل انسان معمولاً زن ساخته می شود. بعد این مترسک بوسیله بچه ها حمل شده و به درب خانه های مردم می زنند و همصدا می گویند بووکه بارانه و یکی از اهالی خانه از خانه به درآید و مقداری آب به دست در ظرفی بر سر مترسک می ریزد و این داستان به تمام خانه های مردم سرایت می کند. تا به گمان خودشان آسمان عبرت گیرد! شاید هم فکر می کنند مامور آسمان خوابش گرفته و با داد و بیداد بچه بیدار می شود! اگر خنده و شادی کودکان را از این باور و از این رسم جدا کنیم عجرو فغان و داد و بیداد انسانهای قدیم را در برابر طبیعت و آسمان براحتی خواهیم دید و همزمان خواهیم دید ذهن خلاق و جستجوگر و کنجکاو انسان مدتهاست آسمان و طبیعت را درنور دیده است نه تنها ملایکه و مامور باران و خدا هیچ کاره نیستند بل جریان توده های هوا و ابر است که باعث و بانی باران خواهد شد. حتی انسان موفق شده باران مصنوعی برمزارع بباراند و باعث شده خدا و افرادش از فکر انسان رودست بخورند!

۳- رفتن برسر قبر هایی که گویند متعلق به صحابه های زمان پیامبر اعراب است. بعضی برای به دنیا آوردن پسر، برخی برای اهدافی دیگر به این مکانها مراجعه می کنند. بدون هیچ اما و اگر ی لااقل من نشنیده ام کسی برای به دنیا آوردن دختر به این مهم دست یابد! بازار این قبرها به شدت گرم است و کسانی که صاحب دختران زیاد هستند و بدون پسر، در رفتن بدین جاها سر از پا نمی شناسند و با نذر کردن و پخش تنقلات سرگرم بازی و معامله با صحابه هایند. حالا این روابط و مسایل چگونه به هم بست داده شده اند. چه رابطه ای بین این قبر و خدا و زن و مرد وجود دارد به غیر از عقاید پوچ و بی مایه چیزی نمی توان یافت یا حدس زد. جالب اینکه در بعضی از موارد که کاملاً تصادفی به مراد و مقصود می رسند آن رامرهون برکات و جانفشانی

های جناب صحابه می دانند. زهی خیال باطل! با این تفکرات عصر حجری در قرن تکنولوژی و علم. بازار پسر یابی در ممالک اسلامی به حدی رواج دارد برای اینکه کارشان ردخورد نداشته باشد و به یقین برسند. قبل از زایمان زن هر جوری شده یک ماری پیدا می کنند و سعی می کنند مار را بکشند و سه بار مار را به هواپرت می کنند و اگر مار از طرف پشت بر زمین افتاد خدا به آنها پسر داده است وگرنه خیر. شایدهنوز هم سونوگرافی را علم شیطان بدانند و گناه کبیره به حساب آید. در همان حال باور دیگری هم این است که تکه سنگی پهن و سبک را سعی می کنند بر سنگ قبر مهم هر جوری شده به چسبانند اگر چسپید آرزو بر آورده می شود اگر خیر که هیچی هر تلاشی بی فایده و ناکار آمد است ۴- آیا میمون پدر بزرگ انسان است؟ اگر نزد مسلمانان نظریه علمی داروین را به هر نوعی مطرح کنی رگ گردنشان می زند بیرون و کلی عصبانی می شوند و اظهار می دارند خیر خدا انسان را از گل ساخته و از روح خویش در کالبد ایشان دمیده و زن هم به خاطر مرد و از دنده چپ مرد سر برآورده است. حالا اگر بادلایل عقلی و منطق و خرد برایشان ثابت کنی. مسلمان عزیز! انسان خدا را بوجود آورده است و بعد شروع به پرستش خدا کرده است. نه اینکه خدا انسان را آفریده است. به گمانم همان جا علیه این انسان عقل گرا حکم جهاد صادر می کنند. بعد از اینکه به هر دلیلی نتوانست نفست را بگیرد. باحالت و چهره بر افروخته می گوید: پس چرا حالا هیچ میمونی به انسان تبدیل نمی شود یا اینکه چرا انسان به میمون تبدیل نمی شود. اگر بگویی برادر؛ نظریه تکامل را تا این درجه تقلیل ندهید و از این سوال های آخوندی دست بردارید. دوست عزیز تکامل شرایط مکانی و زمانی خاصی می طلبد و از جزء به کل می رسد. تکامل شکل عقب گرد ندارد. از وضع زندگی بشر تا

جنگهای مقدس اندیشه های یک فیزیکدان نجوم درباره مساله خدا (۳)

نیل دگراس تایسون

ترجمه: اعظم کم گویان

وقتی که دانشمندان درباره خدا حرف می زنند، از او وقتی که در مرز و محدوده های بیکران دانش قرار می گیرند، استمداد می طلبند، زمانی که حس اعجاب و شگفتی ما بیش از حد است و توانایی ما در توضیح عملی پدیده ها محدود می شود. مثلاًها بی شمارند. طی دوره ای که مساله حرکت سیارات در صدر و نوک تیز مباحثات فلسفه مادی قرار داشت، پتولمی نمی توانست از یک حس اعجاب مذهبی گونه خودداری کند. دقت کنید که پتولمی می دانست که جیوه در درجه حرارت معمولی، مایع است و یک قطعه صخره سنگی مستقیماً به زمین اصابت می کند. در عین حال که نمی توانست این پدیده ها را کاملاً بفهمد. این پدیده ها و درک آنها در آن زمان، در حیطه علوم قرار نداشت.

در قرن سیزدهم آلفونسو خردمند (آلفونسو ۱۰) شاه اسپانیا که یک آکادمیسین مجرب بود گفت اگر من در زمان خلقت کائنات وجود داشتم، راهنمایی ها و اشارات مفیدی برای خلق بهتر این جهان عرضه می کردم. اسحاق نیوتون در اثر خود "اصول ریاضی فلسفه مادی" که در ساله ۱۶۸۷ منتشر شد، طرح کرد که معادلات جدید جاذبه زمین، که نیروی کشش بین اجسام را توضیح می دهد، نمی توانسته سیستم پایداری از مدارات برای جهان چند سیاره

ای ما باشد. تحت این بی ثباتی، سیارات یا به خورشید اصابت می کنند یا بطور کلی از منظومه شمسی بیرون خواهند جهید. نیوتون که درباره سرنوشت دراز مدت زمین و سایر سیارات نگران بود، کمک خدا را بعنوان نیروی نیرویی برای حفظ و بقای یک منظومه شمسی پایدار و دائمی می طلبید. یک قرن بعد، ریاضیدان فرانسوی پیر سیمون لاپلاس، یک رویکرد ریاضی برای توضیح نیروی جاذبه اختراع کرد که در اثر چهار جلدی وی "مکانیک عالی" منتشر شد که در آن کاربرد معادلات نیوتون در مورد سیستم های کمپلکس سیاراتی نظیر سیارات منظومه شمسی را بسط داد. لاپلاس نشان داد که منظومه شمسی ما ثابت است و به کمک خداوند احتیاج نداریم. وقتی ناپلئون بناپارت از لاپلاس درباره عدم رجوع به "خالق کائنات" در کتابش پرسید، لاپلاس پاسخ داد که "من به چنین فرضیه ای نیاز ندارم".

در توافق کامل با ناتوانی شاه آلفونسو در باره جهان، آلبرت انشتین در نامه ای به همکارش نوشت: "اگر خدا جهان را خلق کرده مطمئناً اولین نگرانش این بوده که درک آن را برای ما آسان نکند" انشتین که نمی توانست درک کند که چگونه و چرا یک جهان مقدر به فورمالیته احتمالات مکانیک کوانتومی احتیاج دارد، گفت: "مشکل است که یواشکی به کارتهای بازی خدا نگاه کرد. اما اینکه او انتخاب کرده که با جهان طاس نیندازد چیزی است که من حتی برای یک لحظه هم نمی توانم باور کنم...." زمانی که نتیجه آزمایشی را به انشتین نشان دادند که در صورت صحت، می توانست عدم درستی تئوری جدید جاذبه وی را ثابت کند، انشتین در مورد آن گفت: "خدا ناقلاً هست اما مضر و مخرب نیست". نیلس بور فیزیکدان دانمارکی که بعنوان معاصر انشتین، نکات او را در مورد خدا می شنید، گفت: "انشتین باید از گفتن به خدا که این کار و آن کار را بکند، دست بردارد!

لمس می کنم و بکار می برم، وقتی که آسمان پهناور و بی انتها را در یک ابزرواتوری بر قله ای رفیع نگاه می کنم، از شکوه و هیبت آن به تحسین و تکریم می افتم. در عین این تحسین و تکریم، اگر من وجود خدایی در ورای این افق را مطرح کنم، کسی که دره نادانی ما را سیراب می کند، روزی خواهد آمد که دانش ما چنان رشد کرده و عظیم شده که من دیگر نیاز به فرضیه وجود خدا نخواهم داشت.

از کتاب علم و دین تالیف پاول کرتز



بی خدایی
آزادی از دین
و سعادت انسان

اعظم کم گویان

www.ketab.com

دیدگاههای شخصی من کاملاً پراگماتیستی هستند و بخشا طنزین و انعکاس گالیله است که طی محاکمه اش گفت: "انجیل به شما می گوید بهشت بروید، نمی گوید بهشت چگونه می رود و حرکت می کند" گلیله بعدها در نامه ای در ۱۶۱۵ به دوشس بزرگ توسکانی نوشت: "از نظر من خدا دو کتاب نوشت، کتاب اول انجیل است که انسانها در آن می توانند پاسخ به سوالات خود در مورد ارزشها و اخلاقیات را بیابند. کتاب دوم خدا، کتاب طبیعت است که به انسانها اجازه می دهد مشاهدات و آزمایشات خود را بکار ببرند تا بتوانند پاسخ به سوالات ما درباره جهان و کائنات را پیدا کنند."

من با آنچه که عملی است و جواب می دهد، توافق دارم و آنچه که عملی است شکاکیت سالمی است که در متد عملی موجود است. باور کنید اگر انجیل توانسته بود نشان بدهد که منبع غنی از پاسخ برای درک و کشف هستی است، ما روزمره آن را می کاویدیم تا پاسخ برای درک هستی را در آن پیدا کنیم. من هم مانند پتولمی در مقابل جهانی که مانند ساعت متظم کار می کند، سر تعظیم فرود می آورم. وقتی که در مرز و محدوده نهایی دانش قرار می گیرم، وقتی که قوانین فیزیک را با قلم خود

مصنوعات ساخت دست بشر می توان به وضوح مشاهده کرد که انسان دارد از هر نظر به تکامل می رسد. حتی شمای متعصب و مطلق گرا هم اگر از پیش داوری کورکورانه چشم به پوشی در می یابی تنها می توان روی نظریه های علمی تفکر و تفحص کرد نه چرندیات دینی.

